

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِأَوَّلِ كَانِ قَبْلَهُ، وَالْآخِرِ بِأَخْرِ يَكُونُ بَعْدَهُ، الَّذِي قَصَّرَتْ عَنْ رُؤْيَيْهِ أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ وَعَجَزَتْ عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ.

سپاس و ستایش خداوندی را سزا است که در «اول بودن» بی‌آغاز و در «آخر بودن» بی‌انجام است (ازلی و ابدی است)؛ آنکه دیدگان بینندگان از دیدنش ناتوان، و اندیشه‌های وصف‌کنندگان از وصف وی عاجزند.

إِبْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعًا، وَاخْتَرَعَهُمْ عَلَى مَشِيئَتِهِ اخْتِرَاعًا، ثُمَّ سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ إِرَادَتِهِ، وَبَعَثَهُمْ فِي سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ، لَا يَمْلِكُونَ تَأْخِيرًا عَمَّا قَدَّمَهُمْ إِلَيْهِ وَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَقْدِيمًا إِلَيْهِ مَا أَخَّرَهُمْ عَنْهُ وَجَعَلَ لِكُلِّ رُوحٍ مِنْهُمْ قُوَّةً مَعْلُومًا مَفْسُومًا مِنْ رِزْقِهِ، لَا يَنْقُصُ مَنْ زَادَهُ نَاقِصٌ، وَلَا يَزِيدُ مَنْ نَقَصَ مِنْهُمْ زَائِدٌ.

با قدرتش آفریدگان را بی‌نمونه و الگو آفرید و آنان را به خواست خود، پدید آورد، و سپس روان گردانید آنان را به راه خواسته خویش و برانگیخت آنان را در راه محبت خویش، توانایی ندارند از آنچه پیش انداخته ایشان را به سوی آن عقب بمانند و نمی‌توانند که پیش بروند از آنچه آنان را از آن عقب نگهداشته است و قرار داده برای هر دارنده روحی از آنان قوت معلوم قسمت شده‌ای از روزی خود، کم نمی‌گرداند کاهش دهنده‌ای از آنچه وی فزونی بخشید، و نمی‌افزاید افزاینده‌ای بر آنچه او کاسته باشد.

ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِي الْحَيَاةِ أَجَلًا مَوْفُوتًا وَنَصَبَ لَهُ أَمَدًا مَحْدُودًا يَتَخَطَّى إِلَيْهِ بِأَيَّامِ عُمْرِهِ، وَيَرْهَقُهُ بِأَعْوَامِ دَهْرِهِ، حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَقْصَى أَثَرِهِ وَاسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمْرِهِ، قَبَضَهُ إِلَى مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورِ ثَوَابِهِ أَوْ مَحْذُورِ عِقَابِهِ ﴿لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاؤًا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى﴾ عَدْلًا مِنْهُ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ وَتَظَاهَرَتْ أَلَاؤُهُ، ﴿لَا يُسْتَلُّ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْتَلُونَ﴾

آنگاه برای وی در زندگی مدتی مشخص قرار داد و پایانی معلوم معین فرمود که با روزهای عمرش به سوی آن قدم بر می‌دارد و با سال‌های روزگارش به آن می‌رسد، تا آنگاه که برسد به آخرین حدش فرا گیرد حساب عمر خود را، او را فرو گیرد به سوی آنچه وی را به آن خوانده است از فراوانی پاداش یا کیفر ترسناکش «تا کیفر دهد بدکاران را به آنچه انجام داده‌اند و پاداش دهد نیکان را به نیکی» که این عدالتی از اوست که نام‌هایش مقدس

و نعمت‌هایش آشکار و پی در پی است «از آنچه انجام می‌دهد، بازخواست نمی‌شود و آنان مورد بازخواست واقع می‌شوند»

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنِّ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ عَلَىٰ مَا أَوْلَاهُمْ مِنْ مِّنْهُ الْمُتَتَابِعَةِ وَأَسْبَغَ عَلَيْهِمْ مِنْ نِعْمِهِ الْمُتَطَاهِرَةِ، لَتَصَرَّفُوا فِي مَنِّهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ وَتَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ، وَلَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَىٰ حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ، فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: ﴿إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا﴾.

و سپاس خداوند را که اگر شناخت سپاسش را از بندگانش باز می‌داشت نسبت به آنچه آنان را عنایت نموده است از الطاف پی در پی خود و به آنان فراوان بخشیده از نعمت‌های پیوسته‌اش، از نعمت‌های بهره می‌گرفتند بدون اینکه او را بستایند و از روزی‌اش فراخی می‌جستند بدون اینکه او را سپاس گویند، و اگر چنین می‌بود، از حدود انسانیت خارج می‌شدند به سوی مرزهای حیوانیت و آنگاه، آنگونه می‌شدند که پروردگار در کتاب استوارش بیان فرموده است که «آنان چون چهارپایانند و بلکه از آنها نیز گمراه‌ترند».

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ مَا عَرَّفَنَا مِنْ نَفْسِهِ، وَأَلْهَمَنَا مِنْ شُكْرِهِ، وَفَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ بِرُبُوبِيَّتِهِ، وَدَلَّنَا عَلَيْهِ مِنَ الْإِخْلَاصِ لَهُ فِي تَوْحِيدِهِ وَجَبَّنَا مِنَ الْإِلْحَادِ وَالشُّكِّ فِي أَمْرِهِ، حَمْدًا نَعْمَرُّ بِهِ فِيمَنْ حَمَدَهُ مِنْ خَلْقِهِ، وَنَسْبِقُ بِهِ مَنْ سَبَقَ إِلَىٰ رِضَاهُ وَعَفْوِهِ، حَمْدًا يُضِيءُ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتِ الْبُرُزْخِ، وَيُسَهِّلُ عَلَيْنَا بِهِ سَبِيلَ الْمَبْعَثِ، وَيُشَرِّفُ بِهِ مَنَازِلَنَا عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ يَوْمَ ﴿تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ ﴿يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَىٰ عَن مَّوْلَىٰ شَيْئًا وَلَا هُمْ يَنْصُرُونَ﴾.

و سپاس خدای را بر آنچه ما را آشنا ساخت نسبت به خودش، و از سپاسش الهام بخشید، و برای ما گشود از درهای علم به ربوبیتش، و راهنمایی کرد ما را بر او، به اخلاص در یگانه پرستیش و ما را دور ساخت از الحاد و شک در شؤنش، سپاسی که در آن زندگی کنیم در میان سپاسگزارانش از میان آفریدگانش، و پیشی گیریم به وسیله آن از هرکه به سوی رضایت و عفو پیشی گرفته باشد، سپاسی که آن برایمان روشن سازد تاریکی‌های برزخ را و بر ما آسان سازد به آن، راه برانگیخته شدن را، و منزلگاه‌های ما را به آن شرافت بخشد در جایگاه‌های حضور خلائق در روزی که «هرکسی پاداش داده می‌شود به آنچه انجام داده است و آنان ستم نمی‌بینند.» «روزی که هیچ دوستی، دوستش را بی‌نیاز نگرداند و آنان یاری داده نشوند».

حَمْدًا يَرْتَفِعُ مِنَّا إِلَىٰ أَعْلَىٰ عَالَمِينَ ﴿فِي كِتَابٍ مَّرْقُومٍ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ﴾. حَمْدًا تَقْرُبُهُ عِيُونُنَا إِذَا بَرَقَتِ الْأَبْصَارُ، وَتَبْيَضُّ بِهِ وُجُوهُنَا إِذَا اسْوَدَّتِ الْأَبْشَارُ حَمْدًا نَعْتَقُ بِهِ مِنْ أَلِيمِ نَارِ اللَّهِ إِلَىٰ كَرِيمِ جِوَارِ اللَّهِ، حَمْدًا نَزَاحِمٌ بِهِ مَلَائِكَتَهُ الْمُقَرَّبِينَ، وَنُضَامٌ بِهِ أَنْبِيََاءَهُ الْمُرْسَلِينَ فِي دَارِ الْمَقَامَةِ الَّتِي لِاتَزُولُ وَمَحَلٌّ كَرَامَتِهِ الَّتِي لِاتَحُولُ.

سپاسی که از نزد ما به بالاترین درجه بالا برده شود «در کتابی نوشته شده که آن را شاهد باشند مقربان». سپاسی که چشمان مان به آن روشن گردد آنگاه که چشمان از ترس خیره گردند، و چهره‌های مان به آن سفید شوند آنگاه که سیاه می‌گردد پوست‌ها، سپاسی که به آن از آتش دردناک خدا رها شویم به سوی جوار ارزشمند پروردگار سپاسی که به آن در کنار فرشتگان مقرب جای گیریم، و به وسیله آن به پیامبران مرسل او در سرای اقامت بی‌زوال و محل کرامت تغییرناپذیر، ملحق شویم.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اخْتَارَ لَنَا مَحَاسِنَ الْخَلْقِ، وَأَجْرِي عَلَيْنَا طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ، وَجَعَلَ لَنَا الْفَضِيلَةَ بِالْمَلَكَةِ عَلَىٰ جَمِيعِ الْخَلْقِ، فَكُلُّ خَلِيقَتِهِ مُنْقَادَةٌ لَنَا بِقُدْرَتِهِ، وَصَائِرَةٌ إِلَىٰ طَاعَتِنَا بِعِزَّتِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَعْلَقَ عَنَّا بَابَ الْحَاجَةِ إِلَّا إِلَيْهِ، فَكَيْفَ نُطِيقُ حَمْدَهُ؟ أَمْ مَتَى نُؤَدِّي شُكْرَهُ؟ لَأُ، مَتَى؟

و سپاس خدای را که برای ما زیبایی‌های اخلاق را برگزید، و برای ما روان ساخت روزی‌های پاکش را، و با توانائی ما را بر همه آفریدگانش فضیلت و برتری داد، پس همه آفریدگانش به قدرتش فرمانبر ما گشته و به عزتش به اطاعت ما در آمده‌اند، و سپاس خدای را که در نیازمندی را جز به سوی خودش بر ما بسته است، پس چگونه می‌توانیم که از عهده سپاسش برآییم؟ و یا اینکه چه زمانی می‌توانیم شکرش را به جای آوریم؟ ما نتوانیم و کی توانیم؟

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَكَّبَ فِيْنَا آلَاتِ الْبَسْطِ، وَجَعَلَ لَنَا أَدْوَاتِ الْقَبْضِ، وَمَتَّعَنَا بِأَرْوَاحِ الْحَيَاةِ، وَأَثَبَتْ فِيْنَا جِوَارِحِ الْأَعْمَالِ، وَغَدَّانَا بِطَيِّبَاتِ الرِّزْقِ، وَأَغْنَانَا بِفَضْلِهِ، وَأَفْنَانَا بِمَنِّهِ، ثُمَّ أَمَرَنَا لِيُخْتَبَرَ طَاعَتَنَا، وَنَهَانَا لِيَبْتَلَىٰ شُكْرَنَا، فَخَالَفْنَا عَنْ طَرِيقِ أَمْرِهِ وَرَكَّبْنَا مُتُونٌ زَجْرِهِ فَلَمْ يَبْتَدِرْنَا بِعُقُوبَتِهِ، وَلَمْ يُعَاجِلْنَا بِنِقْمَتِهِ، بَلْ تَأَنَّنَا بِرَحْمَتِهِ تَكْرُمًا، وَأَنْتَظَرَ مُرَاجَعَتَنَا بِرَأْفَتِهِ حِلْمًا.

و سپاس خدای را که ابزار بسط و گشایش در وجود ما کار گذاشت، و برای ما قرار داد ابزار گرفتن و درهم کشیدن را، و ما را بهره‌مند ساخت از نسیم‌های زندگی، و در ما قرار داد اندام کارها را، و پرورش داد ما را با روزی‌های پاک و به فضل خود ما را بی‌نیاز ساخت، و به بخشش خویش توانگرمان نمود، و سپس ما را فرمان داد تا بیازماید طاعت ما را و نهی فرمود تا امتحان کند سپاس ما را، پس با فرمانش مخالفت کردیم، و آنچه از آن

ما را باز داشت مرتکب شدیم و او در کیفر ما شتاب ننمود و ما را فوراً به انتقامش گرفتار نساخت، بلکه مهلت داد ما را به رحمتش از روی کرمش، و با رأفت و از روی بردباری بازگشت ما را منتظر شد.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي دَلَّنَا عَلَى التَّوْبَةِ الَّتِي لَمْ نُفِدْهَا إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ، فَلَوْ لَمْ نَعْتَدِدْ مِنْ فَضْلِهِ إِلَّا بِهَا، لَقَدْ حَسَنَ بِلَاوُهُ عِنْدَنَا، وَجَلَّ إِحْسَانُهُ إِلَيْنَا، وَجَسَمَ فَضْلُهُ عَلَيْنَا، فَمَا هُكَذَا كَانَتْ سُنَّتُهُ فِي التَّوْبَةِ لِمَنْ كَانَ قَبْلَنَا، لَقَدْ وَضَعَ عَنَّا مَا لِطَاقَةِ لَنَا بِهِ، وَلَمْ يَكْلِفْنَا إِلَّا وَسْعًا، وَلَمْ يُجَسِّمْنَا إِلَّا يُسْرًا، وَلَمْ يَدْعُ لِأَحَدٍ مِمَّا حُجَّةً وَلَا عُدْرًا، قَالَهُ الْكُ مِمَّا مِنْ هَلَاكِ عَلَيْهِ، وَالسَّعِيدُ مِمَّا مَنْ رَغِبَ إِلَيْهِ.

و سپاس خدای را که ما را به توبه رهنمون گشت که جز به فضلش به آن دست نمی‌یافتیم، و اگر از فضل وی جز آن را نمی‌یافتیم، نیکو بود لطفش نزد ما و بزرگ بود احسانش به ما و فضلش بر ما عظیم می‌بود، که روش وی در توبه چنین نبوده است برای آنان که بودند پیش از ما، زیرا که آنچه بر آن طاقت نداریم از ما برداشته و به قدر توانائی بر ما تکلیف نهاده و بر عهده ما قرار نداده جز آنچه آسان باشد، و برای کسی از ما حجت و عذر باقی نگذاشته است، پس بنابراین هلاک شده از ما آن کسی است که در مخالفتش نابود شود و خوشبخت از میان ما کسی است که به سویش با اشتیاق روی آورد.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ بِكُلِّ مَا حَمِدَهُ بِهِ أَدْنَى مَلَائِكَتِهِ إِلَيْهِ، وَأَكْرَمُ خَلِيقَتِهِ عَلَيْهِ، وَأَرْضَى حَامِدِيهِ لَدَيْهِ، حَمْدًا يُفْضَلُ سَائِرِ الْحَمْدِ كَفَضْلِ رَبِّنَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ.

و سپاس خدای را به همه آنچه او را سپاس گفته‌اند نزدیک‌ترین فرشتگانش به وی و گرامی‌ترین بندگانش نزد وی و پسندیده‌ترین سپاسگزارانش، سپاسی که بر دیگر سپاس‌ها برتری یابد همچون برتری پروردگاران بر همه آفریدگانش.

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ مَكَانَ كُلِّ نِعْمَةٍ لَهُ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ عِبَادِهِ الْمَاضِينَ وَالْبَاقِينَ عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ، وَمَكَانَ كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهَا عَدَدُهَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً أَبَدًا سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، حَمْدًا لِأَمْنَتِهِ لِحَدِّهِ، وَلَا حِسَابَ لِعَدَدِهِ، وَلَا مَبْلَغَ لِعَايَتِهِ، وَلَا انْقِطَاعَ لِأَمَدِهِ حَمْدًا يَكُونُ وَصْلَةً إِلَى طَاعَتِهِ وَعَفْوِهِ وَسَبَبًا إِلَى رِضْوَانِهِ وَذَرِيعَةً إِلَى مَغْفِرَتِهِ وَطَرِيقًا إِلَى جَنَّتِهِ، وَخَفِيرًا مِنْ نِعْمَتِهِ، وَأَمْنًا مِنْ غَضَبِهِ، وَظَهِيرًا عَلَى طَاعَتِهِ، وَحَاجِرًا عَنْ مَعْصِيَتِهِ، وَعَوْنًا عَلَى تَأْذِيَةِ حَقِّهِ وَوِطْأَتِهِ، حَمْدًا نَسْعُدُ بِهِ فِي السُّعْدَاءِ مِنْ أَوْلِيَائِهِ، وَنَصِيرُ بِهِ فِي نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ، إِنَّهُ وَلِيُّ حَمِيدٍ.

پس سپاس او راست برای هر نعمتی که از او بر ماست و بر همه بندگان گذشته و باقی مانده‌اش به عدد آنچه احاطه دارد به آن علمش نسبت به همه اشیاء و به جای هر کدام از آنها به چندین برابر و برای همیشه و جاویدان تا روز قیامت، سپاسی که انتهایی برای حد آن نباشد و نه شمارش را عددی و نه سرانجامش را اندازه‌ای و نه مدتش را پایانی باشد، سپاسی که وسیله رسیدن به طاعت و بخشش او گردد و سببی به سوی خشنودیش و وسیله‌ای برای آموزشش و راهی به بهشتش و پناهی از عذابش باشد و امانی از خشمش و پشتیبانی بر طاعتش و باز دارنده‌ای از معصیتش و یآوری بر ادای حق و انجام تکالیف او گردد، سپاسی که به آن خوشبخت شویم در میان خوشبتان از دوستانش، و قرار گیریم در ردیف شهیدان به شمشیرهای دشمنانش، که او یاری دهنده ستوده شده است.